229206 ـ چگونگی تعامل با عشق نسبت به جنس مخالف پیش از ازدواج

سوال

دوست داشتن و میل به جنس مخالف پیش از ازدواج چیزی است که به دست بشر نیست چرا که تعامل با این مساله را پروردگار ما در این آیه‌ی کریمه بیان داشته است: وَلاَ جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاء أَوْ أَكْنَنتُمْ فِي أَنفُسِكُمْ عَلِمَ اللّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَكِن لاَّ تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلاَّ أَن تَقُولُواْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا وَلاَ تَعْزِمُواْ عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىَ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُواْ أَنَّ اللّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ [بقره: ۲۳۵] (و در باره‌ی آنچه شما به طور سربسته از آنان [در عده‌ی وفات] خواستگاری کرده یا در دل پوشیده داشته‌اید بر شما گناهی نیست. الله می‌دانست که به زودی به یاد آنان خواهید افتاد ولی به آنان قول و قرار پنهانی مگذارید مگر آنکه سخنی پسندیده بگویید و به عقد زناشویی تصمیمی مگیرید تا زمان مقرر به پایان رسد و بدانید که الله آنچه را در دل دارید می‌داند پس از [مخالفت با] او بترسید و بدانید که الله آمرزنده و بردبار است). بنابرای راه واضح است؛ یا خواستگاری، یا مساله را در دل خود پنهان بداریم تا الله درباره‌اش قضای خود را عملی نماید. آیا اینگونه استدلال به این آیه‌ی کریمه صحیح است یا خیر؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

میل مرد به زن و برعکس چیزی است که خداوند مردم را بر آن سرشته تا جنس بشر بر روزی زمین ادامه یابد و تا وقتی که خداوند می‌خواهد قطع نگردد و برای آنکه آرامش و الفت در داخل خانواده شکل گیرد.

الله متعال می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ [روم: ۲۱]

(و از نشانه‌های اوست که از خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری در این برای مردمی که می‌اندیشند قطعا نشانه‌هایی است).

بنابراین مرد برای میلش به جنس زن ملامت نمی‌شود.

ابن قیم ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

اما شخص برای دوست داشتن زنان ملامت نمی‌شود بلکه این از کمال اوست (الداء والدواء: ۵۵۲).

که این نشان می‌دهد این گرایش از صفات کمال مردان است.

از انس ـ رضی الله عنه ـ روایت است که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: زنان و عطر برایم دوست داشتنی قرار داده شده‌اند و چشم روشنی‌ام در نماز گذاشته شده به روایت نسائی (۳۹۴۰). آلبانی در صحیح سنن نسائی (۳۹۴۰) آن را صحیح دانسته است.

و اگر دل مردی به زنی نامحرم و خارج از چارچوب ازدواج معلق شد ممکن است رها ساختن دل از این وضعیت سخت باشد. برای همین شریعت امر به دوری از این وضعیت و قطع اسباب آن پیش از وقوع کرده است.

چرا که عشق و تعلق خاطر غالبا به سبب رها ساختن دل و عدم فروهشتن نگاه از حرام و انجام چیزهایی که این عشق را شعله‌ورتر می‌سازد مانند موسیقی و خواندن یا دیدن یا فکر به عوامل تحریک آمیز به وجود می‌آید و در دل ریشه می‌دواند به ویژه اگر دل ضعیف و تهی از یاد الله باشد.

ابن قیم ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«آغاز عشق و اسباب اختیاری آن جزو تکلیف است چرا که نگاه و اندیشه و خود را در معرض محبت قرار دادن امری اختیاری است، بنابراین اگر اسبابش را انجام دهد آنچه به وجود می‌آید دیگر در اخیتار او نخواهد بود...

و این به مانند نوشیدن خمر است، چرا که نوشیدن آن به اختیار است اما مستی به وجود آمده از آن اجباری است، پس هر گاه سبب به اختیار انجام شود پس از آن برای آنچه بدون اختیارش رخ خواهد داد معذور نیست، بنابراین هر گاه سبب ممنوع باشد، شخص مست معذور نخواهد بود.

و شکی در این نیست که ادامه دادن به نگاه و فکر کردن پی در پی همانند نوشیدن خمر است و او برای انجام سبب ملامت می‌شود» (روضة المحبین: ۲۲۵).

بله گاه شخص معذور است و برای میل و عشقی که در دلش افتاده ملامت نمی‌شود و آن وقتی است که این عشق بدون سبب حرامی در دلش افتاده مانند میلی که به سبب نگاه ناگهانی به وجود آید یا آنکه فرد عاشق با زنی ازدواج کند و سپس آن زن او را نخواهد و خوهان جدایی از وی شود و به اصرارش همسرش او را طلاق دهد و قلب مرد همچنان پس از طلاق به وی معلق بماند.

ابن قیم ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«اگر عشق به سببی غیر ممنوع رخ دهد صاحبش ملامت نمی‌شود، مانند کسی که زنش یا کنیزش را دوست داشته سپس از وی جدا شده اما عشقش از وی جدا نگردد که چنین کسی به سبب آن نکوهش نمی‌شود...

همینطور اگر نگاهی ناگهانی کند و سپس چشمانش را برگرداند اما عشق [آن زن] بدون اختیار او دلش را تسخیر کند که در این حال باید آن را دفع کند و با ضدش آن را از قلبش دور سازد... که پس از تلاش در راه دفعش دیگر ملامت نمی‌شود» (روضة المحبین: ۲۲۵ ـ ۲۲۶).

ثانیا:

هرگاه میل به زنی در دل مرد افتاد راه حل درست این است که در صورت امکان شرعی و واقعی از او خواستگاری کند.

شفاعت و میانجی‌گری پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ برای مغیث که زنش بریره پس از جدایی به نزدش برگردد از همین باب است:

از ابن عباس ـ رضی الله عنهما ـ روایت است که گفت: «همسر بریره برده‌ای بود به نام مغیث. انگار همین الان او را می‌بینم که پشت سرش می‌چرخید و می‌گریست و اشک‌هایش بر ریش او جاری بود. پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ به عباس گفت: ای عباس، آیا از محبت مغیث به بریره و نفرت بریره از مغیث در شگفت نیستی؟ پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ خطاب به بریره گفت: کاش به نزدش برمی‌گشتی. بریره گفت: آیا مرا امر می‌کنید؟ فرمود: نه، بلکه میانجی‌گری می‌کنم بریره گفت: نیازی به او ندارم. (صحیح بخاری: ۵۲۸۳).

و اگر نتوانست با او ازدواج کند در این حال باید به الله تعالی پناه آورد تا غمش را از بین ببرد و صبر پیشه سازد و باید بداند که این ابتلا و آزمایشی است از سوی الله تعالی و اگر صبر کند اجری بس بزرگ خواهد داشت.

شیخ الاسلام ابن تیمیه ـ رحمه الله ـ می‌گوید:

«اما اگر مبتلای عشق شود و پاکدامنی و صبر پیشه سازد برای تقوای الله اجر می‌برد... و چنانکه از ادله‌ی شرع واضح است اگر از حرام‌ها در نگاه و سخن و عمل دوری کند و پاکدامنی ورزد و آن را پنهان دارد و از آن سخنی به میان نیاورد تا سخنی حرام نگوید، چه این سخن شکایت به خلق باشد یا اظهار فحشاء یا خواسته‌ای از معشوق، و بر طاعت الله و بر انجام ندادن معصیتش و درد عشقی که در دل دارد صبر کند چنانکه مصیبت دیده در برابر درد مصیبت صبر پیشه می‌سازد، این فرد از جمله کسانی خواهد بود که تقوای الله پیشه ساخته و شکیبایی ورزیده‌اند و همانا هرکه تقوا و صبر پیشه سازد پس الله پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد» (مجموع الفتاوی: ۱۰/ ۱۳۳).

ثالثا:

اما استدلال به آیه‌ی کریمه‌ای که در سوالتان ذکر کردید بر اینکه راه حل عشق و میل پیش از ازدواج به جنس مخالف یا خواستگاری است یا پنهان داشتن آن در دل تا خداوند مساله را به گونه‌ای قضا کند؛ باید بگوییم این آیه در حق زنی که در عده‌ی وفات همسرش هست نازل شده که در این حالت برای مردی که می‌خواهد از او خواستگاری کند جایز است که به طور سربسته نه صریح، به وی پیشنهاد ازدواج دهد چنانکه برایش جایز است این را در دل پنهان دارد تا عده‌ی آن زن به پایان رسد و سپس از او خواستگاری کند.

مانعی برای این استدلال نیافتیم چرا که اگر محبت زنی در دل مردی افتاد می‌تواند از او خواستگاری کند و اگر مانعی وجود دارد اشکالی نیست که این را در دلش پنهان دارد تا هر وقت این مانع برطرف شد به خواستگاری‌اش اقدام کند.

اما به شرط آنکه با وی بر سر چیزی حرام وعده نگذارد و کاری حرام با هم انجام ندهند زیرا الله تعالی می‌فرماید:

إِلاَّ أَن تَقُولُواْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا [بقره: ۲۳۵]

(مگر آنکه سخنی پسندیده بگویید).

پس جایز نیست که به وی سخنی بگوید که از نظر شرع ناپسند است.

اما آنکه به زنی که دوستش دارد صراحتا ابراز عشق می‌کند سخنی پسندیده نگفته بلکه حرفی منکر زده که ممکن است باعث شود طرف مقابل آرزوی وصلش کند و اگر او قادر به این وصلت نباشد قضیه برایش بدتر می‌شود و اینجاست که شیطان آنها را به بازی می‌گیرد و هر گاه راه حلال بسته باشد جز راه حرام باقی نمی‌ماند!!

اما اگر قادر به ازدواج باشد و نسبت به آن دختر رغبت داشته باشد باید این را صراحتا اعلام کند و او را از ولی‌اش خواستگاری کند.

والله اعلم.